

# خواهر جدید من



**عبدالملك مراد زهی**

بهورز خانه بهداشت اسماعیل آباد خاش  
دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

در اولین سال های شروع کارم در خانه بهداشت، خانم بارداری برای تشکیل پرونده بارداری به خانه بهداشت مراجعه کرد. در شرح حال اولیه مشخص شد که مادر باردار دارای بیماری روانی (عقب ماندگی ذهنی) است و زن سوم مردی مسن شده که زیاد به او توجه نمی کند، به همین دلیل وی را در گروه مادران باردار مراقبت ویژه قرار دادم و با توجه به پر خطر بودن بارداری، وضعیت وی را پیگیری می کردم. در روزهای آخر بارداری نوبت مراقبت او گذشته بود و من صبح روز بعد برای پیگیری به منزلش مراجعه کردم.

برادر کوچکش در را باز و من را به داخل منزل راهنمایی کرد. حال عمومی بیمار خوب نبود. درد شدید پایین شکم همراه با تهوع شدید و گیجی داشت. با فوریت های پزشکی تماس گرفتم. از نزدیک ترین مرکز فوریت های پزشکی تا روستای ما بیست دقیقه راه بود. خانواده وی گفتند اگر امکانش هست تا رسیدن آمبولانس مادر را به مرکز بهداشتی درمانی انتقال دهیم. ماشین گرفتیم و مادر را به مرکز رساندیم. پزشک مرکز پس از معاینه مادر، احتمال آپاندیسیت را مطرح کرد و با رسیدن آمبولانس به اتفاق مامای مرکز، مادر را به نزدیک ترین بیمارستان انتقال دادیم. در بیمارستان پس از انجام اقدامات اولیه، مادر با تشخیص آپاندیسیت به اتاق عمل انتقال یافت و با توجه به نزدیک بودن موعد زایمان همزمان هر دو عمل آپاندکتومی و سزارین انجام شد.

پس از پایان عمل وقتی با دکتر جراح صحبت کردم. وی گفت: مادر را در زمان طلایی به بیمارستان رساندی. اگر آپاندیسیت وی می ترکید خطر مرگ، جان مادر و نوزادش را تهدید می کرد. صبح روز بعد خانواده مادر به خانه بهداشت مراجعه کردند و بابت اقدام بموقع از من تشکر کردند. از آن روز به بعد آن خانم من را به عنوان برادرش قبول کرده و هر وقت دچار مشکلی می شود اولین نفری را که در جریان قرار می دهد من هستم.